



## مبانی رفتار بزرگان شیعه در آغاز استیلای مغولان

پدیدآورده (ها) : الویری، محسن

علوم اجتماعی :: دین و ارتباطات :: تابستان و پاییز 1377 - شماره 6 و 7

از 79 تا 106

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/22597>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 01/06/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## مبانی رفتار بزرگان شیعه در آغاز استیلای مغولان

♦ دکتر محسن الویری



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

چکیده: رفتار سیاسی بزرگان و اندیشمندان نیز می‌تواند در شمار منابع اندیشه سیاسی قرار گیرد، مشروط بر آنکه با ژرفکاویهایی تاریخی همراه باشد. در نیمه دوم قرن هفتم هجری و در پی هجوم بی‌امان مغولان، تحولی مهم در جهان اسلام واقع شد. با سقوط بغداد بساط خلافت دیر پای عباسیان برچیده شد، و تیره‌ای از مغولان - ایلخانان - در ایران و عراق حکومت یافتند. در این دوره و حتی پیش از اسلام آوردن حاکمان مغولی، دانشمندان پر آوازه شیعه مانند ابن علقمی، خواجه نصیرطوسی، سید بن طاووس، ابن میثم بحرانی و علامه حلی همدلیها و همکاریهایی با آنان از خود نشان دادند. کاوشی در منابع تاریخی آن روزگاران، ما را به این باور می‌کشانند که عوامل ذیل در این رویکرد ویژه مؤثر بوده است: آمادگی ذهنی علمای شیعه برای سقوط عباسیان و استیلای مغولان، اعتقاد به لزوم تلاش برای تبدیل مدینه‌های غیرفاضله به مدینه

فاضله، اعتقاد به بهتر بودن سلطان عادل کافر از سلطان ظالم مسلمان، اعتقاد به جواز پذیرش ولایت از حاکم جائز برای اقامه حق، و سرانجام بهره‌گیری از تسامح مذهبی ایلخانان برای پراکندن تفکر شیعی.

#### مقدمه

حملة گسترده مغولان به قلمرو خلافت اسلامی، خاستگاه تحولی شگفت و همه‌جانبه در جهان اسلام شد. با وجود تحقیقاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده است<sup>(۱)</sup>، هنوز پرسشها و ابهامهایی فراوان، پژوهشگران را به جستجو و کند و کار فرا می‌خواند. هجوم ویرانگر مغولان در سال ۶۱۶هـ.ق با حملة چنگیزخان به ایران آغاز شد<sup>(۲)</sup>، و ۴۰ سال بعد در سال ۶۵۶ق با فتح بغداد به دست هلاکو، نواده چنگیز<sup>(۳)</sup>، تقریباً از تب و تاب افتاد.<sup>(۴)</sup> با کشته شدن خلیفه و بر چیده شدن بساط خلافت از قسمت بزرگی از جهان اسلام، مسلمانان که واهمه درهم پیچیده شدن جهان بدون خلیفه را داشتند<sup>(۵)</sup>، زندگی در سایه اقتدار خان مشرک مغول را آغاز کردند. با سیطره مغولان - که به تسامح دینی نیز شناخته می‌شوند<sup>(۶)</sup> - شیعیان فرصتی یافتند تا با نزدیک شدن به مرکز قدرت سیاسی و بهره جستن از آن، به صورتی چشمگیر اندیشه‌های کلامی و فقهی خود را بپراکنند و گامهایی مهم به سوی تفوق علمی و سیاسی بر ایران و عراق بردارند.

بدون تردید سیطره بلامنازع صفویه و گسترش دیر پا و عمیق تشیع در سراسر ایران، از سرتاق چهره نیست، بلکه زمینه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن در مقطع تاریخی پیش از قرن دهم هجری، از جمله در عصر سیطره مغولان، فراهم آمده بود. این تلاش ثمربخش شیعیان که تدبیر و هدایت آن در دست دانشمندان پرآوازه آن روزگاران بود، از زوایای مختلف شایسته تأمل و ژرفکاوی است. این مقاله، تلاشی برای پاسخ به یکی از پرسشهای مربوط به این موضوع است. مقطع تاریخی این بررسی، نیمه دوم قرن هفتم هجری و سالهای نزدیک به سقوط بغداد و روی کار آمدن ایلخانان است. در خلال مقاله، تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که روی آوردن دانشمندان

شیعه به دستگاههای حکومتی و همکاری تقریباً گسترده‌شان با حاکمان، چه توجیهی داشته، و مبانی این رفتار سیاسی چه بوده است؟

برای پاسخ به این پرسشها، نخست این موضوع بررسی می‌شود که اصولاً جایگاه رفتار سیاسی در منابع اندیشه سیاسی چیست؟

### رفتار سیاسی، یکی از منابع اندیشه سیاسی

مفاهیم مربوط به اندیشه سیاسی شیعیان را نمی‌توان تحت همین عنوان، در متون تاریخی گذشته یافت، زیرا این عنوان و دیگر عنوانها مربوط به روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن، در دهه‌های اخیر و در پی گسترش روابط علمی و فرهنگی با غرب به جوامع شرقی و اسلامی راه یافته است.<sup>(۷)</sup> با این حال، مسلم است که مفاهیم و مضامین مربوط به آن را به فراوانی - هر چند به طور پراکنده - در متون مختلف اسلامی و شیعی می‌توان یافت.

قرآن و سنت، نخستین و مهمترین منبع اندیشه سیاسی نزد مسلمانان است. در آیات زیادی از قرآن، از مسائل سیاسی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم سخن به میان آمده است<sup>(۸)</sup> و در سخنان پیامبر ﷺ<sup>(۹)</sup> و ائمه اطهار علیهم‌السلام (منتظری، ۱۴۰۸، ج ۱، صص ۸۹-۱۶۰) نیز آموزه‌هایی فراوان در این زمینه به چشم می‌خورد. تقسیم بندی‌های مختلفی برای منابع مربوط به اندیشه سیاسی اسلامی و شیعی، در آثار نویسندگان معاصر مطرح شده است<sup>(۱۰)</sup>. به نظر می‌رسد غیر از متون اصلی دینی (قرآن و حدیث)، دیگر منابع را بتوان این‌گونه دسته بندی کرد:

### ۱. متون کلامی

مباحث اندیشه سیاسی در منابع کلامی شیعی، بیشتر در دو بحث: نبوت و امامت آمده است؛ زیرا رهبری جامعه و امت بر عهده نبی و پس از او بر عهده امام است، و سخن گفتن در باره ویژگیها و وظایف نبی و امام به عنوان یک رهبر سیاسی و معیار مشروعیت یک حاکم اسلامی، در حقیقت سخن

گفتن در باره محوری‌ترین مسئله علم سیاست و اندیشه سیاسی است. امامت فصل ممیز شیعه از دیگر فرق اسلامی است. با وجود بحثهایی بر سر فقهی بودن یا کلامی بودن آن<sup>(۱۱)</sup>، حجم کتابها، مقاله‌ها و رساله‌های کلامی شیعیان در این زمینه فراوان است. الباب الحادی عشر<sup>(۱۲)</sup>، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد<sup>(۱۳)</sup> و منهاج الکرامه فی الامامة<sup>(۱۴)</sup>، تألیف علامه حلی (۷۲۶ق) از مهمترین متون کلامی در مقطع تاریخی این مقاله هستند.

## ۲. متون فقهی

مسئله حکومت و حاکم اسلامی - که از محوری‌ترین مسائل اندیشه سیاسی است - در شماری قابل توجه از مباحث فقهی مورد عنایت قرار گرفته است. طرح این مسئله در متون فقهی، در مواردی است که اجرای یک حکم اسلامی منوط به حضور حاکم است. عموم فقیهان اهل سنت هیچ قید و شرطی برای حاکم قایل نیستند و ضمن لازم دانستن اطاعت از حاکم جامعه - که هر کسی می‌تواند باشد - اجرای احکام فقهی را نیز از اختیارات و وظایف او می‌دانند.<sup>(۱۵)</sup> اما فقیهان شیعه یکی از مهمترین شرایط حاکم را عدالت می‌دانند، و از جمله مقومات عدالت را تشیع می‌شمرند.

البته، برداشت فقیهان شیعه از حاکم عادل - به عنوان شرط اجرای برخی احکام - یکسان نیست. گروهی از آنان، مصداق آن را فقط امامان معصوم (علیهم‌السلام) می‌دانند. شماری دیگر، مصداق آن را علاوه بر امام معصوم، نایبان خاص و عام او (فقیهان واجد شرایط) بر می‌شمرند. گروه اول اجرای احکامی را که شرط آن حضور حاکم عادل است، در عصر غیبت جز به هنگام اضطرار یا مصلحت جایز نشمرده‌اند. اما گروه دوم با شرایطی، قایل به لزوم اجرای این احکام شده‌اند. بر این اساس، نگرش فقیهان در باره نقش حاکم عادل در اجرای احکام و مسائل مربوط به آن، یک اندیشه سیاسی است. در نتیجه، متون فقهی نیز جایگاهی مهم در منابع اندیشه سیاسی می‌یابد. مهمترین مباحث فقهی که می‌توان این موضوع را در آن جستجو کرد، عبارت است از: اقامه نماز جمعه، گردآوری زکات، دریافت خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاء، افتاء، مسئولیت‌پذیری در صورت درخواست حاکم،

اجرای حد، وصیت و ارث.

کتاب شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، نوشته محقق حلی (۶۷۶ق)، و آثار فقهی علامه حلی، از مهمترین نمونه‌های متون فقهی نگاشته شده در دوره تاریخی مورد بررسی این مقاله است.

### ۳. اندرزنامه‌ها و آیین نامه‌های حکومتی

بخشی از اندیشه‌های سیاسی مسلمانان، در اندرزنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و سیاستنامه‌ها منعکس است. این کتابها بیشتر از پند نامه‌ها، وصیتها و سخنان حکیمان و آداب درباری ایران پیش از اسلام تأثیر پذیرفته، و گاه با آیات قرآنی، احادیث و سخنان بزرگان علم و سیاست اسلامی همراه و مزین شده است. (۱۶)

فصل نخست از کتاب الفخری فی الآداب السلطانية، نوشته صفی‌الدین محمد بن طقطقی (۷۰۹ق)، نمونه‌ای از این متون در نیمه دوم قرن هفتم هجری است. (۱۷)

### ۴. متون حکمت عملی و اخلاقی

مسلمانان تقسیم بندی ارسطویی حکمت به حکمت نظری و حکمت عملی، و سپس تقسیم حکمت عملی به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن را پذیرفته، و بخشی از اندیشه‌های سیاسی خود را در کتابهای حکمت عملی نگاشته‌اند. مباحث حکمت عملی که به گفته خواجه نصیرالدین طوسی: «به موافقت و مخالفت مذهبی و نحلی تعلق ندارد» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۳۵) (۱۸)، معمولاً بدون استناد به آیات و روایات، مسائل اصلی حکومت و قدرت سیاسی را بررسی می‌کند. کتاب اخلاق ناصری نمونه بسیار مهم این دسته از منابع در نیمه دوم قرن هفتم هجری، نوشته دانشمند پر آوازه شیعی خواجه نصیرالدین طوسی، است. البته، خواجه این کتاب را پیش از سقوط بغداد و در ایام حضور خود در قلعه اسماعیلیه و به پیشنهاد و به نام ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور نوشت. ولی پس از سقوط بغداد، تغییراتی در خطبه کتاب داد و آن را از نو مطرح کرد (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۳۵). خواجه در مقاله سوم

این کتاب و طی هشت فصل هم از مباحث نظری علم سیاست سخن گفته، و هم رهنمودها و دستورات عمل‌هایی را برای حسن سلوک پادشاهان بر شمرده است. (۱۹)

#### ۵. متون تاریخی

کتابهای تاریخی افزون بر اطلاعات مربوط به روش عملی حاکمان در اداره سرزمینهای اسلامی، گاه در بردارنده اظهار نظرها و تحلیلهایی درباره شاخه‌های مختلف دانش و اندیشه سیاسی‌اند. کتاب تجزیة الامصار و ترجیة الاعصار، معروف به تاریخ و صاف نوشته فضل الله بن عبدالله شیرازی (۲۰)، و کتاب تاریخ اولجایتو، نوشته ابوالقاسم قاشانی (قاشانی، ۱۳۴۸، ص ۴۸)، از نمونه‌های جالب توجه این دسته از منابع در دوره تاریخی مورد نظر این مقاله است.

#### ۶. رساله‌ها و کتابهای مستقل درباره فلسفه و اندیشه سیاسی

بخشی دیگر از منابع اندیشه سیاسی در اسلام، رساله‌هایی است که بی اینکه به تقسیم بندی حکمت یا حکمت عملی اشاره داشته باشد، مستقلاً به بحث و بررسی در باره یک یا چند جنبه از جنبه‌های مسائل سیاسی پرداخته است (۲۱). رساله کوتاه و پرنکته ساز و پیرایه شاهان پر مایه، به قلم باباافضل مرقی کاشانی، نمونه‌ای خوب برای این دسته از منابع در نیمه دوم قرن هفتم به شمار می‌رود.

#### ۷. رفتارهای سیاسی

افزون بر شش دسته منابع مکتوب پیشین، باید از رفتارهای سیاسی نیز به عنوان یکی از منابع مستقل و ارزشمند اندیشه سیاسی اسلامی نام برد. اگر چه گزارش رفتار سیاسی عالمان و حاکمان در منابع تاریخی ذکر شده، ولی طبیعی است که رفتار سیاسی می‌تواند به عنوان منبعی مستقل هم مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا بررسی، تحلیل و تعلیل این رفتارها، پژوهشگر را به یافتن مبانی فکری و نظری

آن هدایت می‌کند، که فراتر از منابع تاریخی است و از ارزنده‌ترین منابع اندیشه سیاسی به شمار می‌رود. البته، بر تحلیل رفتار سیاسی عالمان دینی فایده‌ای دیگر نیز مترتب است و آن، سنجش پایبندی عملی آنان به مبانی فکری خود و تطابق اندیشه و سخنانشان با رفتارشان است؛ که در جای خود موضوعی مهم است، ولی در مجالی دیگر باید به آن پرداخته شود.

این مقاله، زوایایی پنهان از اندیشه سیاسی شیعی را در نیمه دوم قرن هفتم هجری بر پایه تبیین و تحلیل رفتار سیاسی دانشمندان برجسته شیعی در این دوره، در معرض داوری اندیشمندان قرار می‌دهد. اگر رابطه دانشمندان شیعه با حاکمان مغول - حتی پیش از اسلام آوردن آنان - و وزیران و امیرانشان بررسی شود، نمونه‌هایی فراوان از حسن ارتباط و حتی همکاری میان آنان به چشم خواهد خورد. با مطالعه خطبه و مقدمه کتابهای شیعی تألیف شده در این دوره و بیرون آوردن نام ممدوحان، سیاه‌های بلند از نام وزیران و امیران مغولی یا منصوب از طرف مغولان به دست می‌آید. ابن میثم بحرانی (۶۷۹ق) در مقدمه شرح نهج البلاغه خود، علاءالدین عطاملک بن محمد جوینی (۶۸۱ق)، سیاستمدار و حاکم عراق عرب و خوزستان در عهد هلاکو، را ستوده است (ابن میثم، ۱۳۷۸ق، ج ۱، صص ۲-۳). (۲۲) خواجه نصیرالدین طوسی نیز کتاب اوصاف الاشراف (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۴) (۲۳) و محقق حلی کتاب المعبر فی شرح المختصر (محقق حلی، ۱۳۶۴ش، صص ۲۰-۲۵) را به محمدبن محمد جوینی، حاکم اصفهان، تقدیم کردند (۲۴). عمادالدین حسن طبری نیز در دیباچه کتاب مهم خود به نام کامل بهائی (طبری، بی تا، ج ۱، ص ۱۱) که در سال ۶۷۵ق نگاشته شد، از محمدبن محمد جوینی و پدرش به بزرگی تمام یاد کرده است (طبری، بی تا، ج ۱، صص ۱۲-۱۳ و ۱۶).

برای همکاری و حسن ارتباط علمای شیعه با خانها و دربار مغولان، نمونه‌های زیادی در دست است. صرف نظر از دخالت یا عدم دخالت خواجه نصیرالدین طوسی در فتح بغداد (۲۵)، وی همکاری و همفکری گسترده‌ای با هلاکوخان داشت، و همو در روی کار آمدن جانشین هلاکو، اباقاخان، نقشی مهم ایفا کرد. (۲۶)

مؤید الدین ابوطالب محمدبن احمد بن علقمی (۶۵۶ق)، وزیر شیعی مذهب (۲۷) مستصم



آخرین خلیفه عباسی، که در شدت تعصب او در تشیع گفته‌اند که اقامه نماز جمعه را متوقف ساخت تا مدرسه‌ای برای شیعیان بنا نهد و نماز جمعه را در آن به پا دارد (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۷)، پس از سقوط بغداد، به حکم هلاکو بر منصب اداره بغداد ابقا شد (طهرانی، ۱۳۶۶ ش، صص ۱۴۹-۱۵۲).

رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس (۶۶۴ ق) محدث، ادیب و شاعر پر آوازه شیعی با وجود ارتباط خوبی که با دستگاه خلافت عباسی داشت (۲۸) و پانزده سال هم در بغداد زیست، ولی هیچگاه دعوت خلیفه را برای پذیرش نقابت علویان در عراق نپذیرفت. ولی همو پس از سیطره مغولان بر بغداد، دعوت هلاکو را برای پذیرش نقابت علویان پاسخ مثبت داد و تا پایان عمر هم بر این منصب باقی ماند.

مجدالدین محمد بن عزالدین حسن بن طاووس به حضور هلاکو رفت، و کتاب البشارة را به او هدیه کرد. به همین دلیل، حله، نیل و مشهدین (نجف و کاظمین) از قتل و غارت در امان ماندند، و حکم نقابت سر زمینهای اطراف فرات (البلاد الفراتیه) را - که از قبل در اختیار داشت - باز یافت (ابن عنبه، بی تا، ص ۲۲۰).

شماری از شخصیتهای شیعی همچون: امیر طرمطاز (۲۹)، خواجه سعدالدین آوجی (۳۰) و سید تاج‌الدین آوی (۳۱) در دربار اولجایتو - پیش از شیعه شدن او و پس از آن - حضور داشتند. متکلم و فقیه پر آوازه و کم نظیر شیعی، علامه حلی، ضمن حضور در دربار اولجایتو و شرکت در مناظراتی با علمای اهل سنت (۳۲) و اهتمام به تعلیم و تدریس بویژه در مدرسه سیاره (۳۳) کتابهای سه گانه: نهج الحق و کشف الصدق (طهرانی، ۱۳۹۸ ق، ج ۲۴، ص ۴۱۶)، منهاج الکرامه فی الامامة (حلی، بی تا، ص ۹) و کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین (حلی، ۱۴۱۳ ق، صص ۲۱-۲۲). را برای اولجایتو تألیف کرد. (۳۴) مؤلف کتاب ارزشمند عمدة الطالب نیز نمونه‌هایی زیاد از منزلت یافتن علویان و شیعیان نزد اولجایتو و همکاری با او را گزارش کرده است (ابن عنبه، بی تا، صص ۱۰۰-۱۰۱، ۱۶۸-۱۶۹، ۱۷۱ و ۳۸۳).

## دلایل رویکرد علمای شیعه

بدون تردید این تلاشها و اقدامات بر پایه‌های نظری استوار بوده است، که با کاوش در منابع آن دوره می‌توان آنها را به صورت ذیل بیان کرد:

### ۱. آمادگی ذهنی برای سقوط عباسیان و استیلای مغولان

علامه حلی در کتاب کشف الیقین در شمار فضیلت‌های امیرالمؤمنین (ع)، از پیشگویی آن حضرت در قدرت یافتن مغولان و گرفتن بغداد از عباسیان یاد نموده، و سپس به این مناسبت ماجرای را به نقل از پدرش این گونه ذکر کرده است (حلی، ۱۴۱۳ق، صص ۱۰۰-۱۰۲):

«در آستانه سقوط بغداد، مردم حله را ترس و وحشت فراگرفت. بیشتر مردم، شهر را ترک کردند و به بیابانهای اطراف رفتند. فقط اندکی از آنان در شهر ماندند. پدرم، سید مجدالدین بن طاووس و فقیه ابن ابی العز در شمار این افراد اندک بودند. این سه نفر متفقاً تصمیم گرفتند با هلاکو مکاتبه کنند، و اطاعت و فرمانبرداری خود را از او اعلام دارند. آنان نامه‌ای از طریق فردی غیر عرب زبان برای هلاکو فرستادند. هلاکو نیز دو نفر به نامهای تکلم و علاءالدین را نزد آنان روانه داشت، که اگر آنان برآستی به آنچه نوشته‌اند معتقدند، نزد او حضور یابند. ابتدا این سه نفر ترسیدند، زیرا از سرانجام کار آگاه نبودند. ولی پدرم از سفیران هلاکو پرسید: اگر من به تنهایی نزد او حاضر شوم، کفایت می‌کند یا نه؟

آنان پذیرفتند که تنها وی را با خود ببرند. وقتی پدرم نزد هلاکو رفت هنوز نه بغداد فتح شده و نه خلیفه کشته شده بود. هلاکو از او پرسید، چگونه برای من نامه نوشتید و نزد من حاضر شدید، قبل از اینکه بدانید سرنوشت من و خلیفه به کجا خواهد انجامید؟ و اگر من و او مصالحه کنیم، چگونه از انتقام او خود را در امان نگاه خواهید داشت؟ پدرم گفت: ما دست به این کار زدیم، زیرا روایتی از امامان علی بن ابی طالب (علیهم السلام) به ما رسیده است، که در یکی از خطبه‌هایشان چنین

فرموده‌اند: «زوراء، و شما چه می‌دانید که زوراء چیست؟ سرزمینی سخت و استوار [مراد زمین بغداد است] که در آن ساختمانهایی محکم بنا نهاده خواهد شد، و ساکنانی فراوان خواهد یافت. و در آن، مردمانی کهنسال و دارای ثروت زیاد خواهند زیست. فرزندان عباس آنجا را وطن خویش و محل تجملات و دلخوشیهای خود قرار دهند و آنجا سرزمین لهو و لعب آنان خواهد شد. در آن، ستم ستمگری و بی‌عدالتی ویرانگری خواهد کرد. پیشوایان گناهکار، قاریان قرآن فاسق و وزیران خیانتکاران و ایرانیان و رومیها در خدمت آنان خواهند بود. آنچه را نیکو می‌شمرند، بدان امر نمی‌کنند؛ و از آنچه آن را ناپسند می‌دانند، دست نمی‌کشند. در آنجا مردان را مردان بسنده است، و زنان را زنان. و آنگاه است که اندوهی سخت و فراگیر، گریه‌هایی دراز، مصیبت و ناله‌های بلند از سیطره و قدرت ترکان، به مردم زوراء روی خواهد آورد. ترکان کیستند؟ آنان مردمی با حذقه‌های کوچکند. چهره‌هایشان مانند سپرهای کوبیده شده‌است. لباسی آهنین بر تن دارند. مردانی بدون ریش و سوار بر اسبانی بی‌موبند. پادشاهی دارند که از آنجا که ظهور کرده‌است، به سراغ آنان می‌آید. پادشاه آنان صدایی رسا، هیبتی بزرگ و همتی بلند دارد. او از هیچ شهری عبور نمی‌کند، مگر اینکه آن را فتح کند. هیچ پرچمی در مقابل او بر افراشته نمی‌شود، مگر اینکه آن را به زیر کشد. وای و وای بر هر که با او دشمنی ورزد. و چنین است تا به پیروزی رسد. (۲۵)» و ما وقتی این ویژگیها را شنیدیم، آنها را در شما یافتیم و به امید (لطف) شما به سراغ شما آمده‌ایم. هلاگو با شنیدن این سخنان، دل راست داشت و فرمائی به نام پدرم نوشت که مردم حله و اطراف آن را خشنود می‌ساخت... روایات زیادی در این زمینه در دست است. (۲۶)

این ماجرا، آمادگی روحی علمای شیعه را برای روی کار آمدن حتمی مغولان و بیهوده بودن هر نوع مقاومتی در برابر آن، نشان می‌دهد. علمای شیعه مجبور بودند استیلائی مغولان را به عنوان یک واقعیت بپذیرند، و خود را با آن وفق دهند؛ و با توجه به این واقعیت، به چگونگی حفظ و گسترش فرهنگ شیعی بیندیشند و در عمل هم چنین کردند.

## ۲. لزوم تلاش برای تبدیل مدینه‌های غیر فاضله به مدینه فاضله

خواجه نصیرالدین طوسی در مقاله سوم کتاب اخلاق ناصری - که پیش از این نیز به آن استناد شد - ضمن برشمردن انواع اجتماعات بشری، شناخت مدینه‌های غیر فاضله را ابزاری برای شناخت بهتر مدینه فاضله و تلاش برای رسیدن به آن معرفی کرده است. وی در این باره می‌گوید (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۸۰):

«اجتماعات نیز منقسم باشد بدین دو قسم: ... مدینه فاضله ... و ... مدینه غیر فاضله. و مدینه فاضله که یک نوع بیش نبود... و اما مدینه غیر فاضله، سه نوع بود: یکی ... مدینه جاهله... و دوم ... مدینه فلسفه ... و سیم مدینه ضالّه ... و هر یکی از این مدن، منشعب شود به شعب نامتناهی ... و غرض از این مدن، معرفت مدینه است تا دیگر مدن را بجهت بدان مرتبه رسانند»

از سیاق عبارات و اشارات خواجه در همین کتاب، چنین بر می‌آید که در فقدان مدینه فاضله، باید به نزدیکترین مدینه به مدینه فاضله داخل شد و برای رساندن آن به مدینه فاضله کوشید (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۸۹):

«انشای مدن فاضله (۳۷) و ریاست افضل از مدن ضروری (۳۸) و مدن جماعت (۳۹) آسانتر از آن بود که از دیگر مدن و به امکان نزدیکتر»

این دیدگاه نیز مینا و محلی برای رفتار سیاسی علمای شیعه در آن دوره، بویژه زندگی سیاسی خواجه نصیرالدین و پیوستن او به هلاکو - که بر آیین اسلام نبود - به شمار می‌آید. اکنون، با نگاهی واقع بینانه به نقش خواجه نصیر در ساماندهی جامعه اسلامی در روزگار ایلغار مغول و حفظ و انتقال فرهنگ اسلامی و شیعی، به نظر می‌رسد که وی در تحقق عملی اندیشه خود تا حد زیادی کامیاب بوده است. (۴۰)

## ۳. اعتقاد به بهتر بودن سلطان عادل کافر از سلطان ظالم مسلمان

گفته می‌شود که وقتی هلاکو بغداد را فتح کرد، علما را به اجبار در مستنصریه گرد آورد. وی در اجتماع آنان، این پرسش را مطرح کرد که آیا حاکم عادل کافر بهتر است یا حاکم ظالم مسلمان. در آن میان نخستین کسی که در نوشته‌های حکم به برتری حاکم عادل کافر داد، رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس بود. چنین اقدامی شاید به این دلیل بود که وی سرآمد دیگر دانشمندان حاضر در مجلس به شمار می‌رفت، و دیگران به احترام او پیشقدم نشدند. سپس، دیگران به تبعیت از او، نوشته‌اش را امضا کردند. (۴۱)

این اعتقاد نیز می‌توانست یکی از مبانی همکاری علمای شیعه با خانهای مغول باشد. پیش از این نیز اشاره کردیم که رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس، معروف به سیدبن طاووس، با وجود احترام و منزلت نزد خلفای عباسی، دعوت و اصرار مستنصر را برای پذیرش منصب قضاء، نقابت علویان و حتی سفارت نزد مغولان نپذیرفت. وی در نوشته‌های خطاب به فرزندش، اصرار مستنصر - که گاه با تهدید و فشار همراه بود - و افکار خود را به تفصیل شرح داده، و در ضمن آن از آفات نزدیک شدن به حاکمان و عزم جزم خود برای روی خوش نشان ندادن به هیچ یک از این گونه درخواستها و پیشنهادها، داد سخن داده بود. حتی وی به شریف رضی و سید مرتضی برای همکاری با آل بویه، معترض شده بود (ابن طاووس، بی تا، صص ۱۳۷-۱۴۸). اما پس از سقوط بغداد و با تکیه بر فتوایی که صادر کرده بود واز سر رغبت (ابن فوطی، ۱۳۵۱ق، ص ۳۵۰) یا به تشویق خواجه نصیرالدین طوسی (طهرانی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۶) یا حتی به اکراه (ابن عنبه، ۱۳۶۳، صص ۱۳۱-۱۳۲)، در خواست هلاکو برای پذیرش نقابت علویان را پذیرفت و تا پایان عمر نیز بر این منصب باقی ماند. (۴۲)

#### ۴. جواز پذیرش ولایت حاکم جائز برای اقامه حق

با وجود اعتقاد ویژه شیعیان در باره ویژگیهای حاکم و جایز نبودن همکاری با حاکمان غیر شیعه، این پرسش مهم همواره در متون فقهی شیعه بوده است که اگر حاکمی جائز از فقیه شیعیان برای پذیرش مسئولیتی بویژه منصب قضا دعوت کرد، آیا پذیرش این دعوت جایز است یا نه؟ و در هر

صورت، شرایط آن چیست؟ بخشی خاص از کتب فقهی ویژه این بحث نیست، ولی به طور پراکنده و در بخشهای مختلف مطالبی در این زمینه مطرح شده است. فقیه نامور این دوره محقق حلی (۶۷۶ ق) این مسئله را در بحث متاجر و در زمره مسائل مربوط به مکاسب محرمه مطرح کرده است. وی دو حالت کلی را برای این موضوع در نظر گرفته، سپس برای هر یک از آن دو نیز دو حالت دیگر فرض کرده و حکم هر یک از حالت‌های چهارگانه را به شرح ذیل بیان کرده است:

۱. حاکم جائر فقیه شیعی را مجبور به پذیرش مسئولیت نکند، و فقط از او برای این کار دعوت

کند:

۱.۱. اگر فقیه نداند در صورت پذیرش مسئولیت از ارتکاب حرام در امان می‌ماند، در این صورت

پذیرش آن حرام است.

۱.۲. اگر فقیه بداند که مرتکب حرام نخواهد شد و خواهد توانست امر به معروف و نهی از منکر

کند، در این صورت پذیرش مسئولیت مستحب است.

۲. حاکم جائر فقیه شیعی را به پذیرش مسئولیت وادار کند:

۲.۱. اگر فقیه آن را نپذیرد و خطر کمی -مانند چند روز زندان- متوجه او شود، پذیرش مسئولیت

جایز ولی مکروه است.

۲.۲. اگر فقیه آن را نپذیرد و خطر بزرگی -مانند کشته شدن- متوجه او شود، پذیرش مسئولیت

جایز است. در این حالت، فقیه می‌تواند به آنچه حاکم امر می‌کند گردن نهد، جز در مورد ریختن خون

بیگناهان که تقیه در آن روانیست (محقق حلی، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۶۶؛ همو، ۱۳۶۴، ص ۱۱۸).

در یکی دیگر از منابع فقهی این دوره به نام الجامع للشرائع، نوشته نجیب الدین یحیی بن احمد بن

سعید هذلی (۶۸۹ یا ۶۹۰ ق)، همین احکام با اختلافی جزئی بیان شده است. ولی به فتوای او، فقیهی

که ناچار از پذیرش ولایت قضاء از سوی حاکم جائر است، باید نیت کند که گویی از حاکم عادل حکم

دریافت کرده است (حلی هذلی، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۲۲).

دیگر فقیه پرآوازه این دوران، علامه حلی (۷۲۶ ق)، اگر چه در کتاب ارشاد الازهان خود حتی در

صورت امکان اقامه حد می‌گوید: «احوط» (۴۳) ممنوعیت قبول این مسئولیت است (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۰) و در کتاب دیگر خودبه نام قواعد الاحکام نیز با ذکر: «فنی جواز...نظر، نظر خاصی در این باره نداده و فقط پذیرش منصب را در حالت اجبار جایز شمرده است (علامه حلی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۵)، ولی در پاره‌ای دیگر از آثار خود همچون تبصرة المتعلمین با تفاوت‌هایی اندک تقسیم بندی محقق حلی را پذیرفته است (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۸). همچنین، وی در کتاب مختلف الشیعة پس از نقل آرای فقهای شیعه در جواز یا عدم جواز پذیرش ولایت و نمایندگی از سلطان ظالم برای اقامه حد، می‌گوید (علامه حلی، ۱۳۲۳ق، ج ۲، ص ۱۵۹):

« چون تعطیل حدود موجب ارتکاب حرام و شیوع فساد می‌شود، با شرایط پیشگفته و به شرط اعتقاد به اینکه این کار را (گویی) از سوی حاکم عادل انجام می‌دهد، پذیرش مسئولیت جایز است.»

همو در تحریر الاحکام اظهار می‌دارد (علامه حلی، بی تا، ص ۱۵۷):

«بر هیچ فقیه شیعی جایز نیست که خود را برای پذیرش مسئولیت بر سلطان عرضه کند، مگر آنکه یقین بدارد مرتکب خطا نخواهد شد.»

این فتوا در باره چگونگی همکاری با حاکم غیر عادل، از ویژگیها و نوآوریهای این دوره نیست. فقیهانی بزرگ پیش و پس از این دوره نیز به آن فتوا داده‌اند. به نظر می‌رسد این دیدگاه فقهی، محمل اصلی و مبنای همکاری بزرگان شیعه با حاکمان در طول تاریخ بوده است. (۴۴)

بر اساس آنچه گذشت، فقیهان و علمای شیعه با توجه به شرایط و زمینه‌های فراهم آمده در نیمه قرن هفتم هجری بویژه بر چیده شدن بساط خلافت دیر پای عباسی و تسامح مذهبی جانشینان مغولی آنان، از این فرصت بهره جستند و با تلاشی گسترده توانستند به نشر و پراکندن تفکر شیعی دست زنند. یکی از راههایی که دانشمندان شیعی برای بهره‌برداری از این فرصت پیش گرفتند، قبول درخواست همکاری مغولان بود. قبول این درخواست بر مبنای و پایه‌هایی استوار بود که بازیابی آنها از یک سورشکننده زوایایی پنهان از اندیشه سیاسی شیعه در یکی از مهمترین مقاطع حیات خود

می‌باشد، و از سویی دیگر بیانگر چگونگی تطبیق‌پذیری اندیشه شیعه با شرایط دگرگون‌شونده زمان و مکان بدون دست برداشتن از محوری‌ترین مسئله در اندیشه سیاسی شیعه بلکه محوری‌ترین مسئله در تفکر شیعی، یعنی امامت و ولایت است. داشتن تصویری روشن و تحلیلی درست از مقاطع مهم و مراحل‌تطور اندیشه سیاسی شیعه، می‌تواند دستمایه‌ای شایسته برای پژوهشگران اندیشه سیاسی اسلامی و شیعی باشد، که در شرایط کنونی با پرسشهایی فراوان روبرویند.

#### یادداشت

۱. برای اطلاع از حجم تحقیقات انجام شده، ر.ک.: سوازه، ۱۳۶۶، صص ۳۰۰-۳۱۲؛ کاهن، ۱۳۷۰، صص ۲۵۰-۲۶۰؛ مرتضوی، ۱۳۷۰، صص ۳۶۹-۵۴۴؛ اشپولر، ۱۳۷۲، صص ۴-۲۱.
۲. در باره حمله چنگیزخان و تحلیل آن، منابعی فراوان در دست است. برای ویرانیه‌ها و دهشت‌انگیزی غارت و کشتارشان، ر.ک.: جوبینی، ۱۳۶۷، ج ۱، صص ۷۵ و ۱۴۰؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۷۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۳۵۸؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۳۱.
۳. در باره سقوط بغداد و قتل خلیفه نیز منابعی فراوان در دست است. به عنوان نمونه، ر.ک.: ابن‌فوطی، ۱۳۵۱، ق، صص ۲۲۲-۳۲۵؛ ابن‌طقطقی، ۱۴۱۴، ق، صص ۳۳۳-۳۳۹؛ جوبینی، ۱۳۶۷، ج ۳، صص ۱-۱۱۴. سعدی نیز در قصیده‌ای با مطلع زیر، از این فاجعه حسرت خورده است (کلیات سعدی، ۱۳۷۳، صص ۸۵۸-۸۵۹).

آسمان را حق بود گر خون بگیرد بر زمین بر زوال ملک مستعصم امیرالمؤمنین

۴. مغولان پس از فتح بغداد، سیطره‌ای کم‌دوام - و در حقیقت حملاتی ناموفق - نیز به سمت شام که در اختیار ممالیک بود، داشتند. در این باره، ر.ک.: مرتضوی، ۱۳۷۰، صص ۴۲-۴۳ و ۵۴-۶۰.
۵. گفته شده که وقتی هلاکو برای فتح بغداد رایزنی می‌کرد، به او گفتند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۰۰۶): «مبارک نباشد قصد خاندان خلافت کردن و لشگرها به بغداد کشیدن، چه تا غایت وقت هر پادشاه که قصد بغداد و عباسیان [کرد] از ملک و عمر تمتع نیافت. اگر پادشاه سخن بنده نشنود و آنجا رود، زودشش فساد ظاهر شود. اول: آنکه همه اسبان بمیرند و لشگریان بیمار شوند، دوم: آفتاب بر نیاید، سیوم: باران نبارد، چهارم: باد صرصر خیزد و جهان به زلزله خراب شود، پنجم: نبات از زمین نروید، ششم: آنکه پادشاهی بزرگ در



آن سال وفات کند.

در ادامه همین رایزنها، خواجه نصیرالدین طوسی در پاسخ به هلاکو گفت (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۷۳ ش، ج ۲، ص ۱۰۰۷): «از این احوال هیچ یک حادث نشود. فرمود که پس چه باشد؟ گفت آنکه به جای خلیفه، هولاکوخان بود.»

ابن ابی الحدید نیز پیش از سقوط بغداد و پس از یک حمله ناکام مغولان به بغداد، نگرانی خود را از پیامد سقوط بغداد این گونه اظهار داشته است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶ ق، ج ۸، ص ۲۴۱): «ولو حدث علی بغداد منهم حادثة كما جرى علی غيرها من البلاد، لانقرضت ملة الاسلام و لم یبق لها باقیة.»

۶. به عنوان نمونه، ر.ک: مورگان، ۱۳۷۱، ص ۵۱؛ مرتضوی، ۱۳۷۰، صص ۲۵۹-۲۶۸؛ بیانی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۴۵-۴۶؛ اشپولر، ۱۳۷۲، ص ۲۰۲.

۷. ر.ک: عنایت، ۱۳۶۲، ص ۱۹.

۸. فقط بر اثر ضربه و تکان تعدیات نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اروپائیان، از اواخر قرن هجدهم به این طرف بود که نخبگان مسلمان آغاز به نگارش آثار جداگانه درباره مباحث خاص سیاسی کردند... مادام که فرنگی مابی هنوز بخشهای عمده‌ای از گروههای تحصیل کرده جدید را از میراث فرهنگیشان بیگانه نکرده بود، اغلب اصالحگران اندیشه‌های خود را به زبان علوم اسلامی - یعنی با استفاده از عبارات فقهی و نقل آیات قرآنی و احادیث نبوی - همراه با نقل قولهای گاه‌بگاه از منابع بیگانه بیان می‌کردند.

۸. به عنوان نمونه، ر.ک: بقره، ۱۲۴؛ آل عمران، ۲۶ و ۱۸۹؛ نساء، ۵۸ و ۵۹؛ مائده، ۳۳، ۴۸ و ۵۵؛ انعام، ۹۰؛ احزاب، ۳۶ و حدید، ۲۵.

برای بحثها و گزارشهایی درباره مباحث سیاسی در قرآن، ر.ک: شجاعی‌زند، ۱۳۷۵، ص ۲۸؛ المبارک، ۱۴۰۴ ق، صص ۱۸-۲۰؛ نخبه من العلماء، ۱۴۰۲ ق، صص ۲۹-۳۲ و ۶۲-۶۴.

۹. به عنوان نمونه، ر.ک: المبارک، ۱۴۰۴ ق، صص ۲۰-۲۲.

۱۰. به عنوان مثال: تقسیم آنها به دو دسته کلی: سیاستنامه‌ها و متون فلسفه سیاسی (طباطبائی، ۱۳۶۷، صص ۱۸-۱۹)، تقسیم آنها به سه دسته: سیاست دینی اسلام، سیاست فلسفی اسلام و سیاست مرآتی یا سلوکی (حلبی، ۱۳۷۲، ص ۱۳)، تقسیم آنها به: فلسفه سیاسی و علوم سیاسی (سعیدی، ۱۳۵۸، صص ۱۷-۲۲)، تقسیم آنها از نظر روش تدوین به سه گونه: روش مستدل عقلی، روش تجربه اجتماعی و ملاحظه خارجی و روش تعبد و استناد به وحی و الهام و شعور اجتماعی دینی (تحفه، ۱۳۴۱ مقدمه دانش پژوه)، تقسیم آنها به

چهار دسته: فلسفه سیاسی فلسفی، فلسفه سیاسی کلامی، فلسفه سیاسی فقهی و فلسفه سیاسی اجتماعی (حکیمی، بی‌تا، صص ۲۶۶-۲۷۲) و تقسیم آنها از نظر دوره‌های تاریخی تکوین و تحول به چهار دوره: تفوق کلامی سیاست، تکوین اندیشه سیاسی در فلسفه، تکوین اندیشه سیاسی در فقه و دوره بازگشت سیاست به جایگاه خود در علم کلام (نامدار، ۱۳۷۴، صص ۵-۱۹)، که تقسیم‌بندی اخیر با واقعیات تاریخی سازگار نیست.

۱۱. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۶۸، بویژه صص ۱۰-۱۱. به اعتقاد ایشان اگر مسئله امامت در علم کلام مطرح شود، سخن از خالق و شئون او است؛ و اگر در فقه مطرح شود، سخن از مخلوق و شئون او است. در این زمینه، ر.ک: نامدار، ۱۳۷۴، صص ۵-۹.

۱۲. این کتاب افزوده علامه حلی (فصل یازدهم) بر خلاصه مصباح المتجهد شیخ طوسی و در بردارنده فشرده‌ای از مبانی اعتقادی شیعی است. به دلیل اهمیت آن، این فصل جداگانه استنساخ شد و عملاً حکم کتابی مستقل یافت.

۱۳. تجرید الاعتقاد، کتاب کلامی معروف خواجه نصیرالدین طوسی است.

۱۴. ابن تیمیه کتاب منهاج السنة النبویة را در رد این کتاب و همراه با توهین و افترای فراوان نوشت.

۱۵. برای بحثی در باره حاکم اسلامی از نظر اهل سنت، ر.ک: مسجد جامعی، ۱۳۶۹، صص ۱۷۸-۱۸۶.

۱۶. برای نمونه، ر.ک: محمدی، ۱۳۵۶؛ گفتارهای دوم تا چهارم؛ عنایت، ۱۳۶۲، ص ۳۵؛ طباطبائی، ۱۳۶۷،

ص ۱۹. و برای بحثی در باره تحول نظریه دولت نزد سیاستنامه نویسان، ر.ک: لمبتون، ۱۳۵۹، بویژه صص

۳۹-۴۹. همچنین برای آشنایی با چند کتاب و رساله مهم در این زمینه، ر.ک: دانش پژوه، ۱۳۶۷، صص

۱۳۹-۱۴۴.

۱۷. ابن طقطقی از منابعی همچون کلیله و دمنه، جاویدان خرد (ترجمه عربی آن آداب العرب و الفرس)، خردنامه و مانند آن بهره جسته؛ و اندرزهای خود را به سخنانی از قباد، انوشیروان و اسکندر، فرزندان ایران و هند و پادشاهان ایرانی آراسته، و به مناسبت آیات، احادیث، حکایات ظریف و اشعار زیبا نیز در تأیید آنها نقل کرده است. ر.ک: ابن طقطقی، ۱۴۱۴ق؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۱.

۱۸. برای بحثی قابل نقد و نقض درباره آن، ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۷، صص ۱۲۰-۱۲۱. همچنین برای بحثی در

باره نخستین کتب و رساله‌های تدوین یافته در باره حکمت عملی، ر.ک: سجادی، بی تا.

۱۹. بر خلاف ادعای نویسنده کتاب درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی ایران، که می‌گوید: این مقاله

اخلاق ناصری حکمت عملی نیست و فقط نظری است. ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۷، ش، ص ۱۱۵.

برای گزارشی از کتاب اخلاق ناصری و شروح و خلاصه‌های آن، ر.ک: مدرس رضوی، ۱۳۵۴، صص ۴۴۹-۴۵۷؛ و نیز مقدمه‌های مرحوم مینوی، علیرضاحیدری و بزرگ علوی بر نسخه چاپ شده از سوی انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۰.

گزیده‌ای از اخلاق ناصری به تصحیح مرحوم جلال الدین همایی، چاپ شده است.

۲۰. برای گزارشی از این نوع اطلاعات در کتاب و صاف الحضرة، ر.ک: لمبتون، ۱۳۵۹، صص ۴۵-۴۶.

۲۱. برای معرفی ۴۷ کتاب و رساله در این زمینه، ر.ک: دانش پژوه، ۱۳۶۷، صص ۱۴۴-۱۵۸ با عنوان «چند دفتر ارزنده در اندیشه سیاسی خلافت اسلامی».

۲۲. گزیده‌ای از عبارات او چنین است:

«و اجبت تقلبات الايام دخول دارالسلام فوجدتها نزهة للناضر... بانتهاه احوال تدبيرها و الفاء مقاليد امورها الى... صاحب ديوان الممالك السالك الى الله اقرب المسالك علاء الحق و الدين عظاملك بن صاحب المعظم و المولى المكرم الفائز ببقاء رب العالمين و مجاورة الملائكة المقربين بهاء الدنيا و الدين محمد الجويني ضاعف الله جلاله و خلد اقباله و حرس عزه و كماله و ايد فضله و افضاله و فسح في مد عمره و امده بتوفيقه و شذ از ره».

۲۳. عبارات خواجه چنین است:

«...اشتغال بدان مهم از کثرت شواغل بی اندازه و موانع بی فایده میسر نمی‌شد، و اخراج آنچه در ضمیر بود از قوه به فعل دست نمی‌داد. در این وقت که اشاره نافذ خداوند صاحب اعظم نظام و دستور عالم و الی السیف و القلم قدوة اکابر العرب و العجم شمس الحق و الدین بهاء الاسلام و المسلمین ملک الوزراء فی العالمین صاحب دیوان الممالک مفرخ الاشراف و الاعیان مظهر العدل و الاحسان محمدبن صاحب السعید محمد الجوینی - اعز الله انتصاره و ضاعف اقتداره - تمام آن اندیشه نفاذ یافت...»

۲۴. ذکر عبارات محقق در مدح حاکم اصفهان هم خالی از لطف نیست:

«هذا و الموانع حاجزة و الاسباب عاجزة حتى ورد امر صاحب الاعظم و لى النعم غياث الامم سلطان صدور العرب و العجم العالم العادل المخصوص بمزايل الفضائل و الفواضل مقرر قواعد الايمان بسيرته العادلة و مدمردعائم الطغيان بسطوته الهائلة جابر العباد و قاهر العناد بهاء الملة و الدين عماد الاسلام و المسلمین محمدبن المولى صاحب ديوان الممالک باسط العدل فى الاقطار و الممالک... محمدبن محمد الجوينى - اعز الله نصرهما و نفذ فى الافاق امرهما -...»

۲۵. برای بحثهایی در این زمینه، ر.ک: حائری، ۱۳۶۸؛ مدرس رضوی، ۱۳۵۴، صص ۱۶-۱۸؛ طهرانی، ۱۳۶۶،

- صص ۱۵۰-۱۵۲؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، بخش دوم، صص ۲۰۱-۲۰۲؛ جمفریان، ۱۳۶۸.
۲۶. برای اطلاع از منابع این موضوع، رک: اشپولر، ۱۳۷۲، صص ۲۶۰، بیانی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۳۰۴-۳۱۸.
۲۷. وی در ربیع الاول سال ۶۴۳ق به وزارت رسید، و تا زوال خلافت عباسی این منصب را حفظ کرد. چندین درگیری میان شیعیان و سنیان در محله کرخ بغداد در ایام وزارت او واقع شد. در پرتو حمایت‌های او، ابن ابی الحدید شرح معروف خود بر نهج البلاغه را نگاشت. در این باره، رک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، صص ۲۲۶-۲۲۷، و صاف، ۱۳۳۸، صص ۲۸-۲۹؛ ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج ۱۳، صص ۲۰۹ و ۲۱۴؛ ابن ابی الحدید، ج ۶، ۱۳۵۸ ق، صص ۳-۴.
۲۸. خلیفه برای اقامت وی در بغداد خانه‌ای به او هدیه نمود (طهرانی، ۱۳۶۶، ص ۱۷)، و از دست او نیز در کنار ضریح امیرالمؤمنین (ع) خرقة فتوت دریافت کرد (ابن فوطی، ۱۳۵۱ ق، ص ۲۵۷)، و وساطت او را در باره دیگران می‌پذیرفت (ابن طاووس، ۱۳۶۳، صص ۱۲۶-۱۲۷؛ طهرانی، ۱۳۶۶، صص ۱۷۸-۱۷۹).
۲۹. به عنوان نمونه، رک: قاشانی، ۱۳۴۸، ص ۹۹.
۳۰. به عنوان نمونه، رک: فصیحی خوافی، ج ۳، بی تا، ص ۱۹؛ حافظ ابرو، ۱۳۵۰، صص ۹۵-۱۰۳؛ قاشانی، ۱۳۴۸، صص ۸۳-۸۶؛ و صاف، ۱۳۳۸، صص ۴۷۱ و ۵۲۷-۵۴۲.
۳۱. به عنوان نمونه، حافظ ابرو، ۱۳۵۰، صص ۴۸-۵۱؛ قاشانی، ۱۳۴۸، صص ۱۲۱-۱۲۵؛ و صاف، ۱۳۳۸، صص ۵۲۸؛ میرخواند، ج ۵، ۱۳۷۲، صص ۴۳۸-۴۴۰؛ ابن عنبه، بی تا، صص ۳۷۷-۳۷۸ و ۳۸۳.
۳۲. به عنوان نمونه، رک: قاشانی، ۱۳۴۸، ص ۱۰۱؛ خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۱۹۷؛ مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۹، صص ۳۰-۳۳.
۳۳. به عنوان نمونه، رک: قاشانی، ۱۳۴۸، ص ۱۰۸؛ مرتضوی، ۱۳۷۰، صص ۲۴۹-۲۵۰ (به نقل از مجمع التواریخ حافظ ابرو).
۳۴. تعابیر طولانی علامه حلی در مدح اولجایتو حائز اهمیت است: «اما بعد فان مرسوم السلطان الاعظم مالک رقاب الامم ملک ملوک طوائف العرب و العجم شاهنشاه المعظم راحم العباد و لطف الله فی العباد رحمة الله تعالی فی العالمین و ظل الله (تعالی) علی الخلق اجمعین محیی سنن الانبیاء و المرسلین باسط العدل و ناشره و ممیت الجور و مدمره المؤید من عند الله تعالی بالعنایات الربانیة و الممدود منه تعالی بالالطاف الالهیة ذی النفس القدسیة و الرئاسة الانسیة الواصل بفکره الثاقب الی اسنی المراتب المترقی برأیه الصائب الی اوج الشهب الثواقب المتمیز علی جمیع البریة بجودة القریحة و صدق الرؤیة اولجایتو خدابنده محمد سلطان وجه

الارض - خلد الله ملكه الى يوم العرض ولا زالت الويته محفوفة بالظفر والنصر و دولته محروسة من الغير الى يوم الحشر و النشر - برز بوضع رسالة تشتمل على ذكر فضائل اميرالمؤمنين على بن ابي طالب - عليه افضل الصلاة والسلام - فامتثلت ما رسمه و سارعت الى ما حتمه و وضعت هذا الكتاب.....

۲۵. برای اطلاع از دیگر منابعی که این حدیث را نقل کرده‌اند، ر.ک: حلی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۰۰، پاورقی ۹۳.  
۲۶. فشرده‌ای از این ماجرا را شوشتری در مجالس المؤمنین (ج ۲، صص ۳۵۲-۳۵۳) به نقل از کشف الحق علامه حلی نقل نموده، که ظاهراً در نام کتاب اشتباه کرده است.

۲۷. برای آشنایی با وصف ویژگیهای این جامعه، ر.ک: طوسی، ۱۳۶۰، صص ۲۸۰-۲۸۸.  
۲۸. یکی از انواع مدن جاهله است. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۸۹.  
۲۹. ظاهراً، مراد همان مدن ضروری است، زیرا در اقسام شش‌گانه مدن جاهله، نامی از آن به میان نیامده است.  
۴۰. برای بحثی در این زمینه، ر.ک: الماسیه، ۱۳۶۸، ص ۱۴۹.

۴۱. ابن طقطقی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۲۵۹؛ کلبرگ، ۱۳۷۱، ص ۲۹.  
۴۲. برای بحثی درباره طول مدت نقابت او و اینکه آیا وی تنها یک منصب داشته یا یک بار به منصب نقابت علویان در بغداد برگزیده شده و بار دیگر نقیب النقبای عراق گردیده است، ر.ک: کلبرگ، ۱۳۵۱، صص ۳۰-۳۳.  
۴۳. احوط یعنی اینکه اگر به آن حکم عمل شود، یقیناً به وظیفه خود عمل کرده‌ایم. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: دانش پژوه، ۱۳۶۷، ص ۱۶، به نقل از مقدمه نسخه‌ای از قواعد الاحکام.

۴۴. سید مرتضی در رساله‌ای با عنوان: «مسئلة في العمل مع السلطان»، این موضوع را مطرح کرده است. همچنین در کتاب جواهر کلام در این زمینه به تفصیل بحث شده است. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: نجفی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۲، صص ۱۵۵-۱۷۰.

امام خمینی (ره) نیز این نظریه را در تحریر الوسيله بیان کرده‌اند. برای اطلاع، ر.ک: خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۴. برای بحثی درباره دیدگاه فقیهان عصر صفویه در این باره، ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۰، صص ۱۸-۴۲؛ و برای بحث دیگر عناوین، ر.ک: عنایت، ۱۳۶۲، صص ۳۳ و ۵۵.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغة، ۲۰ ج، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة (افست القاهرة: عیسی البانی الحلبی وشركاة)، ط ۲، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م

۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، الكامل فی التاريخ، ۱۳ ج، بیروت: دارصادر و دار بیروت، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م

۳. ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، برنامة سعادت (ترجمة وصیت عالم ربانی سیدین طاووس رضی الله عنه به فرزند خود به نام كشف المحجة لثمره المهجة)، ترجمه: سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی، بی جا: المرتضویة، بی تا

۴. همو، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، قم: امیر، ۱۳۶۳

۵. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، الفخری فی الآداب السلطانية و الدول الاسلامیة، [قم]: الشریف الرضی، ط ۱، ۱۴۱۴ ق / ۱۳۷۲

۶. ابن عنبة، جمال الدین احمد بن علی بن الحسین (۲۴۸-۸۲۸ ق)، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، اشرف علی مراجعته و مقابلة الاصول: لجنة احیاء التراث، بیروت: دار مكتبة الحياة، بی تا

۷. همو، الفصول الفخریة، به اهتمام: جلال الدین محدث ارموی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳

۸. ابن الفوطی البغدادی، ابوالفضل عبدالرزاق، الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المائة السابعة، مصدر بمقدمتین، الاولى: بقلم العلامة محمد رضا الشیبی و الثانية: بقلم الاستاذ مصطفى جواد، وقف علی تصحيحه و التعليق عليه: الاستاذ مصطفى جواد، بغداد: المكتبة العربیة، ۱۳۵۱ ق

۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ۴ ج، ۷ مج، دقق اصوله و حققه: احمد ابوملحم (ودیگران)، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۸ م

۱۰. ابن میثم البحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی (۶۷۹ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۵، عنی بتصحيحه: عدة من الافاضل، قوبل بةدة نسخ موثوق بها، طهران: مؤسسة النصر، ۱۳۷۸ق
۱۱. اشپولر، برتولد، تاريخ مغول در ايران، سياست، حكومت و فرهنگ دورة ايلخانان، ترجمه: محمود مير آفتاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۴، ۱۳۷۲
۱۲. الماسيه، رسول، «اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی» (پایان نامه)، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، استاد راهنما: دکتر علی اصغر حلبی، آبان ۱۳۶۸
۱۳. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق
۱۴. بیانی، نسرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰
۱۵. تحفه (در اخلاق و سیاست و از متون فارسی قرن هشتم هجری)، به اهتمام: محمد تقی دانش پژوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱
۱۶. جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی، ج ۱، قم: انصاریان، ج ۱، ۱۳۷۰
۱۷. همو، «نقش شیعیان در سقوط عباسیان»، کیهان اندیشه، شماره ۲۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸، صص ۷۷-۸۹
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، «نقش امام خمینی در تجدید بنای نظام امامت»، کیهان اندیشه، شماره ۲۴، خرداد و تیر ۱۳۶۸، صص ۸-۱۷
۱۹. جوینی، عطاملک علاءالدین بن محمد بن محمد، تاریخ جهانگشای جوینی، به سعی، اهتمام و تصحیح: محمد قزوینی، ج ۱ (در تاریخ چنگیزخان و اعقاب او تا کیوک خان) و ج ۳، (در تاریخ منکوقآن و هولاکو و اسماعیلیه)، تهران: بامداد و ارغوان (افست از نسخه چاپ بریل لیدن)، ۱۳۶۸
۲۰. حافظ، ابرو، ذیل جامع التواریخ رشیدی (شامل وقایع ۷۰۳-۷۸۱ق)، به اهتمام: دکتر خانبابا بیانی، ج ۲، تهران: انجمن آبخار ملی، ۱۳۵۰

۲۱. حائری، عبدالهادی، «آیا خواجه نصیرالدین طوسی در یورش مغولان به بغداد نقشی بر عهده داشته است؟ پژوهشی از دیدگاه تاریخنگاری»، ایران و جهان اسلام: پژوهش‌های تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه و جنبش‌ها، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی،

۱۳۶۸

۲۲. حکیمی، محمدرضا، دانش مسلمین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا

۲۳. حلبی، علی اصغر، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلام، تهران: بهبهانی، چ ۱،

۱۳۷۲

۲۴. حلی، یحیی بن سعید، جامع الشرائع، تحقیق و تخریج: عدة من الفضلاء، قم: بی تا، بی تا

۲۵. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، ۲ ج، بیروت: دارالانوار، بی تا

۲۶. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام الدین حسینی، حیب السیر فی اخبار افراد بشر، تصحیح

وفهارس زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، تهران: ج ۳ و ۴، کتابفروشی خیام، چ ۲، ۱۳۵۳

۲۷. دانش پژوه، محمد تقی، فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی در زبان فارسی به انضمام

رسالة اصول فقه فارسی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱، ۱۳۶۷

۲۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، ۴ و ۲، تهران: مرکز دائرة

المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰

۲۹. الذهبی، شمس الدین ابوعبدالله، ذیول العبر فی خبر من غیر، حقه و ضبطه علی

المخطوطتین: ابوهاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ط ۱،

۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م

۳۰. سجادی، سیدجعفر، سیر حکمت علی و طرح ریزی‌های اجتماعی در عالم اسلام، تهران:

نهضت زنان مسلمان، بی تا

۳۱. سعدی، شیخ‌مصلح الدین، کلیات سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید، رباعیات،

قطعات و هزلیات)، از روی نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی، تهران: نگاه، چ ۱، ۱۳۷۳



۳۲. سعیدی، عباس، و فلسفه سیاسی در اسلام شناسی (شریعتی)، مقاله اول، [تهران]: دفتر تبلیغات و انتشارات جاما، ۱۳۵۸
۳۳. سواژه، ژان، مدخل تاریخ شرق اسلامی: تحلیل کتاب شناختی، تحریر جدید برمبنای ویرایش دوم، به اهتمام: کلود وکاهن، ترجمه: نوش آفرین انصاری (محقق)، ویراسته: دکتر علی اصغر حلبی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ ۱، ۱۳۶۶
۳۴. شجاعی زند، علیرضا، «دین و دولت»، راهبرد، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۷۵، صص ۱-۴۰
۳۵. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چ ۳، ۱۳۶۵
۳۶. شهید اول ابن مکی العاملی، شمس‌الدین محمد (۷۸۶ق)، غایة المراد فی شرح نکت الارشاد و حاشیة الارشاد للشهید الثانی، ج ۴، قم: مرکز الابحاث و الدراسات لاسلامیة، ط ۱، ۱۴۱۴ق
۳۷. شیرازی، فضل الله بن عبدالله، تاریخ و صاف الحضرة در احوال سلاطین مغول، تهران: (به سرمایه) کتابخانه ابن سینا (افست از نسخه چاپ بمبئی)، ۱۳۳۸
۳۸. طباطبائی، سیدجواد، درآییدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چ ۱، ۱۳۶۷
۳۹. الطبری، عمادالدین الحسن بن علی بن محمد بن علی بن الحسن، کامل بهائی، ج ۲، تهران: مکتب مرتضوی، بی تا
۴۰. طوسی، خواجه نصیرالدین. اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چ ۲، ۱۳۶۰
۴۱. همو، اوصاف الاشراف، به اهتمام: سیدمهدی شمس‌الدین، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۰
۴۲. همو، منتخب اخلاق ناصری، تصحیح: جلال‌الدین همایی، تهران: نشر هما، چ ۵، ۱۳۷۳
۴۳. الطهرانی، الشیخ آغا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۴، تهران: المکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۸ق/۱۳۵۶

۴۴. همو، طبقات اعلام الشيعة قرن ۷، تحقیق: علی نقی منزوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
۴۵. العلامة الحلی، الحسن بن یوسف، الباب الحادی عشر مع شرحیه: النافع یوم الحشر لمقداد بن عبدالله السیوری و مفتاح الباب لابی الفتح بن مخدوم الحسینی، حققه و قدم علیه: مهدي محقق، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸
۴۶. همو، تبصرة المتعلمين في احكام الدين، تحقیق: محمد هادی الیوسفی الغروی (ویلہ الجوهرة في نظم التبصرة لتقی الدین الحسن بن علی بن داود الحلی) تحقیق: حسین الدرگاہی، طهران: مؤسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، ط ۱، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۰م
۴۷. همو، تحرير الاحكام الشرعية على مذهب الامامية، ۲ ج در یک مجلد، مشهد: طوس، (افست از سوی موسسه آل البيت) بی تا
۴۸. همو، جذبة ولايت، ترجمه منهاج الكرامة في معرفة الامامة، نگارش: احمد حسینی چالوسی، تهران: معراجی، بی تا
۴۹. همو، قواعد الاحكام، ۲ ج در یک مجلد، قم: الرضی، چاپ سنگی، بی تا
۵. همو، كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين (عليه السلام)، تحقیق: علی آل کوثر، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ط ۱، ۱۴۱۳ ق
۵۱. همو، مختلف الشيعة في احكام الشريعة، طهران: مكتبة نينوى الحديثة، ۱۳۲۳ ق
۵۲. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی، ج ۱، ۱۳۶۲
۵۳. فصیحی خوافی، فصیح الدین جلال الدین محمد (۸۴۹ق)، مجمل فصیحی، تصحیح و تحشیه: محمود فرخ، ج ۳ و ۲، مشهد: کتابفروشی باستان، بی تا
۵۴. القاشانی، ابوالقاسم محمد، تاریخ اولجایتو: تاریخ پادشاه غیاث الدین اولجایتو سلطان محمد طیب الله مرقدہ، به اهتمام: همین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸

۵۵. کاهن، کلود، در آمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی: قرون یکم تا هشتم هجری | هفتم تا پانزدهم ق.م: روش شناسی و عناصر کتاب شناسی، ترجمه: دکتر اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰

۵۶. کلبرگ، اتان، کتابخانه ابن طاووس و احوال آثار او، ترجمه: سیدعلی فدائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱

۵۷. لمبتون، آن، نظریه دولت در ایران، ترجمه: چنگیز پهلوان، تهران: کتاب آزاد، چ ۱، ۱۳۵۹

۵۸. مبارک، محمد، نظام اسلام: الحکم و الدولة، تهران: منظمة الاعلام الاسلامی قسم العلاقات الدولية، ۱۴۰۴ ق

۵۹. المجلسی، الشیخ محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، ج ۱۰۴، بیروت: مؤسسة الوفاء، ط ۲، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م

۶۰. المجلسی، محمد تقی (۱۰۷۰ ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۸، بنمقه و علق علیه: علی پناه الاشتهاردی، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیپور، ۱۳۹۸ ق

۶۱. محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن (۶۷۶ ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مَنَع تعلیقات: السید صادق الشیرازی، قم: دارالهدی للطباعة و النشر، ط ۳، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م

۶۲. همو، المعتبر فی شرح المختصر، حقیقه و صححه: عدة من الافاضل، تحت اشراف: آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، قم: مؤسسه سیدالشهداء (علیه السلام)، ۱۳۶۴

۶۳. محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۵۶

۶۴. مدرس رضوی، محمد تقی، احوال آثار قدوه محققین و سلطان حکماء و متکلمین استاد بشر و عقل حادی عشر ابوجعفر محمد بن محمد بن الحسن الطوسی ملقب به نصیر الدین، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴

۶۵. مرتضوی، منوچهر، مسائل عصر ایلخانان، تهران: آگاه، ۱۳۷۰
۶۶. مرقی کاشانی، افضل‌الدین محمد، ساز و پیرایه شاهان پرمایه، مصنفات افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به تصحیح: مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، ج ۲، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۶
۶۷. مسجد جامعی، محمد، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، ویراسته: بهاء‌الدین خرمشاهی، [تهران]: الهدی، ج ۱، ۱۳۶۹
۶۸. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۴، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، ط ۱، ۱۴۰۸ق
۶۹. مورگان، دیوید، مغولها، ترجمه: عباس مخبر، ویراسته: فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز، ج ۱، ۱۳۷۱
۷۰. میرخواند، محمدبن خاوندشاه بلخی، روضة الصفا، تهذیب و تلخیص: دکتر عباس زریاب، ج ۴-۶، تهران: علمی، ج ۱، ۱۳۷۳
۷۱. نامدار، مظفر، رهیافتی بر مبنای اندیشه‌های سیاسی شیعه در قرن اخیر، تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی (مجموعه مقالات)، به اهتمام: موسی نجفی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱، ۱۳۷۴
۷۲. النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، حقیقه و علق علیه: محمود القوجانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۰ق
۷۳. نخبة من العلماء و المسفکرین، لمعات من الفکر السیاسی، [تهران]: مرکز الاسلامی، ط ۱، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م
۷۴. همدانی، رشیدالدین بن فضل‌الله، جامع التواریخ، ج ۴، بی‌جایی تا، ۱۳۷۳
۷۵. الیعقوبی، محمدعلی البابلیات، ج ۴، ۲م، قم: دارالبیان (افست از نسخه چاپ ۱۹۵۱م)، ط ۲، بی‌تا



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی